

سازمانهای حاکمه ما نسبت بحیاتی ترین مسائل وابسته بوجودیت ملت ایران همچنان دچار خوش باوریهای زیان آوری هستند - این خوش باوریها بخصوص درمسائل مربوط به سیاست خارجی ایران و درمسائل مربوط به شناسایی مخاطرات قطعی و دشمنیهای آشکار که سالان بسیار است بر موجودیت ملت ایران لطمه وارد آورده است و همچنان نیز حیات و هستی ملت ما را مورد تعرض و تهدید قرار داده است اعمال میگرد

فزون از یک قرن است که عوامل مسئول آنها که حیات و سرنوشت ملت ایران را در دستهای خود دارند، بجای آنکه بواقیات توجه کنند، بجای آنکه حقایق را دریابند، قدرتهائی را که علیه ملت ایران کمین کرده اند بشناسند، دستهای جنایت کاری را که همچنان در کوشش و تلاشند تا رشته های حیات ملی ما را یکی پس از دیگری بکسند دریابند، بجای آنکه با دیدگانی باز توطئه های شومی را که دشمنان ملت ایران در این منطقه علیه ما ترتیب میدهند بشناسند و با آگاهی و وقوف کامل بر مسائل وابسته بحیات و زندگی ملی ما، ملت ایران را برای مقابله با مخاطرات آماده نمایند، با توسل بر خوش باوریهای زیان بخش دیرینه میخواهند مشکلات و مسائل را حل نمایند!

در حالیکه چنین روشی نه تنها درسایه های گذشته نیز نتوانسته است برای ادامه زندگی شایسته هیچ ملتی سودمند باشد، بلکه اکنون که زمانیش از هر هنگام دیگر ایجاب مینماید تا سیاست و روش صریح و آشکار برای دفاع از اصول زندگی ملت ها و حقوق وابسته بهر ملت، نحوه کار رهبران و مسئولان هرملتی باشد، ما باید با آگاهی و اتکاء هر چه بیشتر برواقیات راه پیروزی را در این جهان پر تلاطم در یابیم و ملت ایران را با آشنا ساختن بواقیات و خطراتی سهمگین که دورادور او را احاطه نموده است برای یک تجهیز وسیع ملی و انجام نبردی بزرگ و پیروزی بخش آماده سازیم.

از جمله این خوش باوریها، خوش باوری نسبت بروش «حکومت عراق» است - سفیر دولت «مخلوق استعمار» - سفیر دولتی که از بدو تأسیس تاکنون، جز در راه تجاوز و تعدی بحق ملت ایران کام بر نداشته است - سفیر حکومتی که ایجاد و ادامه حیات آن از ابتدا تاکنون، بدنبال اجرای

بقیه در صفحه ۴

خاک و خون

(۴)

از : دکتر فضل الله صدر

سخنی درباره:

مفهوم علمی و اجتماعی حزب

حزب بمفهوم واقعی و حقیقی خود عبارت از سیستمی از تجمع افراد و تجهیز و بسیج آنها برای تحقق بخشیدن بآرمانهای مشخص و پیریزی نظامی نومی باشد

سباحت ناسیونالیسم

مرحله دوم، مرحله سازندگی و آفرینندگی یک حزب است. اگر نظری بتاریخ مبارزات حزب که آهنگ آن کرده است که نظمی نو را شالوده بریزد و به اجتماع خودچنان تازه ببخشد لزوما ایجاب می کند که همه وسائل و عوامل سازندگی را در اختیار داشته باشد و چنان کلام نیز در همین نکته است که چه حزبی شایسته آن است که این وظیفه

بقیه در صفحه ۴

از : دکتر عاملی تهرانی

باز هم چرا بر نمیگردند؟

مشکل طبابت

در شهرهای کوچک ایران

۱ - دستگاههای آموزشی ما برای استفاده از محیطهای فرهنگی خارج از ایران برنامه ندارند. دانشجویانی که از ایران بکشورهای خارج میروند یا به دلیل آنست که در ایران جا برای ادامه تحصیل خود نیافته اند مانند صدها دیپلمه که هر سال پس از شکست در امتحانهای کنکور، اجبارا راه دیار غرب را پیش میگیرند و یا ادامه تحصیل را در ایران مشکلیتر و کم بهره تر از تحصیل در خارج میدانند و بسبب مشکلاتیکه در ایران برای آنان فراهم ساخته اند و نیز بسبب تسهیلات فراوانیکه موسسات خارجی بقیه در صفحه ۳

در این باره که چرا فارغ التحصیلان ایرانی بمیهن باز نمی گردند تا کنون مطالبی نوشته ایم که اینک بخلایه ای از آن اشاره می کنیم و سپس گوشه دیگری از این مسئله را روشن میسازیم:

از : آرمان

حقیقت اندیشه انتر ناسیونالیسم

جهان از نظر «استعمار نوین»

استنباط ((استعمار نوین)) پایه اندیشه انتر ناسیونالیسم

از زمان ایجاد تحول صنعتی در اروپا و بدنبال سیاست «بست آوردن مواد اولیه و منابع خامو تسلط بر بازارهای فروش» آثار اجرا و اعمال دو نوع سیاست استعماری «دیرین» و «نوین» را در حوادث و وقایع چهار گوشه جهان میتوان ملاحظه نمود. در مناطقی که هنوز قدرت های گوناگون استعماری نفوذ و ریشه ندوانیده بودند و فقط یکی از استعمارگران آن سرزمین هارا در چنگال خود گرفته بود، سیاست «اشغال نظامی و خون و آتش و قتل عام ساکنان آن مناطق» پایه و اساس یغمای منابع و تاراج مواد خام گردیده بود - لکن در سر

صدای

پیش مرگان کرد

گروهی از سربازان حکومت عراق که بیکری از پایگاههای پیشمرگه در آبادی «بوپان» واقع در منطقه جاف بین فرمانداری «کفری» و کوهستان قره داغ حمله کرده بودند پس از یک نبرد شدید شکست خوردند و با دادن چند کشته عقب نشستند.

چند پاسگاه سربازان عراقی که در جاده اسفاله بین «سید صادق» و «نالیپارین» در استان سلیمانیه واقع گردیده است از سوی پیشمرگه های کرد مورد حمله قرار گرفت و سربازان ارتش نجات بخش کرد این پاسگاهها را با نارنجک ویران ساختند.

در نزدیکی «کانی مانکا» واقع در استان سلیمانیه پیشمرگه های پاسگاه مهم ارتش عراق را مورد حمله قرار دادند و پس از تصرف آن مقدار زیادی اسلحه و مهمات بغنیمت بردند.

سخن روز آذیر

نامه ای از سوی یکی از کارمندان بهداری تفرش و ...

یک سنک برای استقرار بنای عدالت اجتماعی

نامه ای از تفرش رسیده است درخور توجه بسیار، ابتدا عین قسمتهائی از آن را که ضمایحی از خلاصه مطلب است از نظر خوانندگان میگذرانم و سپس پیرامون آن بحث میکنم، اما نامه بعد عنوان... خواستم حقایق را برایتان روشن کنم تا با درج آن ملت ایران را در جریان بگذارید... در دستگاهی کار میکنم که وظیفه اش حفظ جان مردم و بهداشت عمومی است یعنی وزارت بهداری... برای آنکه در جریان وارد باشید قسمت کوچکی از آنچه دیده ام برای شما شرح میدهم، من کارمند کوچکی در بهداری شهرستان تفرش هستم از روزیکه

بقیه در صفحه ۳

از : تماشگر

تفسیر

دیروز گفتگوهای رهبران دولت آمریکا و ویتنام جنوبی در هونولولو آغاز گردید. گرچه هنوز نتیجه این گفتگوانی معلوم نیست ولی رهبران دو کشور در طی یک

از : تماشگر

صحنه اول

یکی از ساختمانهای جالب اصفهان، محل دبیرستان و دبستان هراتی است که گویا دوازده سال پیش توسط ایشان برای ایجاد دبیرستان و دبستان هراتی بوزارت فرهنگ آن زمان وزارت آموزش و پرورش کتونی واگذار شده است - تماشاگر! تا بخاطر دارد، هر زمان که باصفهائی که نیمه جهان نش میگفتند سری میزد، چون دیگر مردم از اینکه یکی از هموطنان ما چنین گامی پر ارزش برداشته و محلی آبرومند برای دبستان و دبیرستان بنیان گذارده است بر او آفرین میفرستادم، غافل از اینکه گویا رندان اکنون خیالی دیگر درس پخته اند و بجاست که مقامات مربوطه آموزش و پرورش مراقب این موضوع باشند و چنین است داستان به نقل از شماره ۵۰۴ روزنامه خبرهای روز اصفهان: «گویا قوانین و مقررات و آئین نامه تأسیس دبستان و دبیرستان ملی اینست که مقاضیان برای صدور امتیاز قبلا بایستی محلی را که جهت تأسیس و تشکیل اینکار در نظر گرفته و تخصیص داده اند معرفی و بنظر مسئولان امر برسانند حالا این سوال پیش می آید که اگر امتیاز تأسیس دبیرستان و دبستان ملی هراتی برای محل دیگری صادر شده جای دیگری غیر از دبستان و دبیرستانی است که بیش از دوازده سال است وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ اصفهان در آن میلیون ها توهان سرمایه بقیه در صفحه ۳

معلوم نیست بچه مناسبت در هر شرایطی ملت ایران باید طرف بردبار و صبور و متحمل هر حادثه و تجاوزی باشد؟ بچه مناسبت هر کس و هر دولتی حتی در هر درجه از ضعف و نابسامانی و ناتوانی باشد باید بتواند پنجه بر صورت ما بکشد و دست تجاوز بحقوق ملت ما و هم نژادان ما به پیش آورد؟ آنگاه ما در این تجاوز و صبور و بردبار باشیم؟ تاریخ و گردش چرخ روزگار، هیچگونه نشان افتخار بر سینه ملت هائی نرزه است که در کشاکش حوادث و بر خورد با تجاوزها و یورشها، همواره طرف بردبار و شکست خورده اند. اگر اکنون، پس از طی هزاران سال، هنوز ملت ایران بر روی پای خود ایستاده است - اگر اکنون از میان حوادث گذشته و فرازونشیب زمانهای ماضی، رشته استقلال و موجودیت و حیات ملت ایران تا بدین زمان کشیده شده است، سبب آن نیست که این نژاد در این سرزمین، برابر یورش و هجوم و تجاوز و سرکشی فرود آورده، سبب این است، آنها که پیش از ما، در این سرزمین میزیستند، برابر هر تجاوز و یورش و ظلم و ستمی قدم دانی برافراشتند و از نژاد و فرهنگ و آئین خود دفاع نمودند.



پیش مرگان نبرده آفرین کرد، خستگی رزم گران خود را با دشمنان آئین و فرهنگ خویش در پناه پایتوبی و دست افشانی از تن بدرمی کنند

پس چرا بما پناه نمیدهند..؟

داستانی غم انگیز، از آن سوی مرز

آقای امیر درویش عام هم میهن کرد، داستانی تحت عنوان غرور افسانه آسای کردهای ایرانی برای ما فرستاده اند که در آن عواطف نژادی و خصائص ملی پس از گذشت قرون و اعصار همچنان موج میزند و در پی آمد که آن را توشه راه خوانندگان گرامی نسازیم.

و پرمایه امروز آتش فشانهای قرون و اعصار این زنجیره کوههای سربفک کشیده را بیاد میاندازد. بقیه در صفحه ۲

تجاوز عمال ((حکومت عراق)) بمرز ایران

باز هم تجاوزهای ناجوانمردانه و توطئه های تنگنیک افراد حکومت عراق قلبهای ایرانی پرستان را آکنده از خشم و اندوه ساخت. باز هم چریکهای مسلح حکومت عراق در منطقه قصر شیرین بمرزهای کشور شاهنشاهی ایران تجاوز کردند و بامروز داران ایرانی بزد و خورده در داخند اما حکومت دست نشاندۀ عراق نه تنها باین تجاوزات پانان نمیدهد بلکه همانگونه که روزنامه خابردادند

از : دکتر عباس روحبخش

جانسون در میان دو قطب

ولی در همان هنگام ژنرال وست مولند فرمانده کل نیرو - های مسلح ایالات متحده در ویتنام جنوبی ب خبرنگاران گفت: ویتنام شمالی هر ماه تعداد ۴۵۰۰ تن از افراد نظامی خود را بجنوب اعزام میدارد، در حال حاضر هفتاد و هفت هزار نفر از افراد کمونیست در واحدهای منظم بقیه در صفحه ۴

هوادران خاک و خون اعلام می کنند:

دروود بر پیش مرگان کرد

ما جان خود را در راه ایران فدا میکنیم از اهواز هنر جوانان هنرستان صنعتی شرکت ملی نفت اهواز می نویسند: مدیر باشمات و ایران پرست روزنامه حقوقی خاک و خون، رونوشت جناب آقای نخست وزیر، رونوشت اداره رادیو - ایران. درود ما هنر جوانان هنرستان صنعتی شرکت ملی نفت اهواز به شما پرچمداران رستاخیز بزرگی بخش ملت ایران، افتخار بر شما که با آهنگ پرتین خاک و خون پرده از جنایات حکومت بقیه در صفحه ۲

صد گونه تماشا

گذاری کرده‌اند که حرفی نیست وجای اعتراض و تذکر و گل‌های باقی نمیگذارد ولی اگر صدور امتیاز برای دبستان ودبیرستانی است که بخاطر بنای آن آقای هراتی مفتخر بدریافت نشان گردیده‌آنهمه تجلیل وتقدير ازوی بعمل آمد ومن ایائی برایش قابل شدند که باید بگوئیم همین آقای هراتی باخط و امضای خویش در شهریور سال ۱۳۳۷ طی نامه‌ای که بوزیر فرهنگ وقت نوشته است بنای آنرا رسماً به فرهنگ واگذار نموده و تمهید نموده که در دفتر اسناد رسمی حضور یافته اسناد مالکیت آنرا تنظیم نمایند و بنا بر این شرعاً و عرفاً صحیح نیست که موسسات متعلق بدولت را بصورت ملی در آورند و بطریق «تجارت» و دریافت شهریه ازدانشی آموزان منبع درآمدی برای «شیاطین اعظم» ایجاد نمایند. ومردی را که قصد کار خیری نموده است از اجردنیوی واخری آن محروم سازند.»

صحنه دوم - در تماشاگری شماره گذشته به نقل از اظهارات یکی از نمایندگان خراسان در مجلس شورا باین موضوع اشاره شد که **تظاهر بانجام امور مورد توجه و تقاضای مردم بدون انجام واقعی آن امور**، آن چنان شیوع یافته و گسترش پیدا کرده است که حتی **کوششهای فرهنگی و فعالیت های آکادمیک** را که معمولاً اموری اساس است که باید واقعاً انجام پذیرد و سرو سامان یابد نیز زیر سلطه ونفوذ خود گردیده است ، هر روز برای دلخوشی مردم استانها دانشکده‌ای بیا میشود و بنیان دانشگاهی؟! گذارده میشود ، درحالیکه دانشکده و دانشگاه تنها نمیتواند زمین وساختمان باشد ، دانشگاه برنامه‌های منظم ، کادر آموزشی شایسته وبخصوص مدیریت توأم باواقع بینی و درک آرمانخواهی را لازم دارد که متأسفانه بسیاری از مراکزى که بعنوان دانشگاه ودانشکده تاسیس گردیده است فاقد این خصوصیات است، بهر حال در تماشاگری شماره گذشته اشاره شد که **دانشکده کشاورزی مشهد رامدتی است تعطیل کرده‌اند** اما درصددند دانشکده دیگری را دراستانی دیگری بگشایند که خبرمندرج در شماره ۱۱۹۰۰ روزنامه اطلاعات خود نشانه‌ای دیگری از این قبیل اقدامات متناقض غیر قابل توجیه میباشد- تماشاگرى این نکته را باید تذکرده که بنیان گذاری دانشکده‌ها ودانشگاهها در استان های گوناگون نه تنها مفید بلکه ضرورى است ، اما باید دانشکده ودانشگاهی باخصوصیات لازم ، نه تنها ساختمان **و شاید نه فقط زمین!** - دانشکده‌ها تنها باین دلیل که کسی یا کسانی بفرض ۵ میلیون متر زمین داده‌اند نمیتوان احداث نمود ، دانشکده‌هنگامی باید ایجاد گردد که از همه جهات ضرورت آن احساس گردد ودولت همه وسائل وموجبات کار را برای ایجاد دانشکده فراهم سازد و گر نه در این مملکت میلیونها متر زمین در هر گوشه‌ای هست ، **بنابر این بر روی همه زمین های خدادانشکده بنانکنید** ، چون دانشکده بدون وسائل لازم واستاد وبرنامه صحیح آموزشی که خرجی چندان و گرفتاری آنچنان نیز ندارد ! - اکنون شمارا به تماشاى خبر تاسیس دانشکده‌های جدید میبرم،

دانشکده‌های جدیدی در کشور ایجاد میشود!

دانشکده کشاورزی در کرمان تاسیس میگردد؟!

«امروز خبرنگار ما کسب اطلاع نمود که درسال آینده دانشکده‌های جدیدی در نقاط مختلف کشور تاسیس خواهد شد ، تا برای پذیرش داوطلبان تحصیل در دانشگاهها ظرفیت بیشتری موجود باشد .

بدنبال این خبر امروز خبرنگار ما کسب اطلاع کرد که عده‌ای از معتمدین کرمان زمینى به مساحت ۵ میلیون متر که قابل کشت نیز می‌باشد در اختیار وزارت آموزش و پرورش گذاشته‌اند که قرار است در آن محل دانشکده کشاورزی ایجاد گردد .

این مطلب را وزیر آموزش و پرورش بعد از بازگشت از سفر کرمان به خبرنگار ما اظهار داشت.»

اگر این رودرواسی

لعنتی بگذارد !

آن بیمارستانهایی که **بیماری را چون سنک در دهان قلماسنک** از این سوی بدان سوی پ-تاب کردند و آن دیگری که ... بگذریم از این نمونه‌های بسیار ، یکی از مشکلات ورنج های بسیار مردم همین است ، چنین کسانی که گروهی معدود از جمع پزشکان شریف و وظیفه شناس هستند از این نکته بیثی‌های تماشاگر و دیگری نویسندگان «**خاگوخون**» دی‌لی‌رخون و زبانی معترض و دشنام‌گوی‌دارند، لکن اینبار تماشاگر شما را به تماشاى گوشه‌ای از مقاله دل‌نشین و توأم با واقع‌بینی پزشکی شریف ونوع دوست میبرد که خود از این ناسامانیها برنج آمده است و از صمیم قلب خواستار اصلاح جامعه پزشکی از معدودی عناصر سودجو و نامتناسب برای این شغل شریف میباشد - **او دکتر علی اصغر سعادت** است - در اطلاعات شماره ۱۱۹۰۰ در ستون ویژه **« انتقاد** » آن روزنامه مقاله‌ای مبسوط و مستدل نوشته بود، ای کاش صفحات روزنامه اجازه میداد تا تمامی آن مقاله را منعکس نمایم ، شما خود میتوانید بدان مراجعه کنید و آن را با دقت مطالعه نمایید - بهر حال قسمتی از آنرا نقل مینمایم و آن بدینگونه است،

« پزشک دیگری را می‌شناسم که هر کس وارد دکانش میشود علاوه بر حق ویزیت معتنا به او رامجبور میکند تا به پشت صفحه رادیوسکوپى برود و بعد باو تلقین میکند که حتما يك الكتروکار- دیو-گرافی هم لازم دارد .

حال کدام بیمار است که تحت تاثیر اینگونه تلقینات نرود و بالااقل تحت تاثیر حجب و حیای خود واقع نگردد و باجیب خالی روانه خانه نشود !؟

طبيب دیگری ادعا میکند ده روز معتاد به هروئین را ترك میدهد . شب اول مبلغ گرانی از بیمار میگیرد و روز بعد مقداری اسکوپولامین که برای دیوانه کردن دهنر کافی است باو تزریق میکند وروز سوم به معتاد نفرین شده و اطرافیش میگوید کار تمام شد درحالیکه بیمار چنان منک و گیج و از خود بیخود است که هیچ چیز تشخیص نمیدهد و به محض آنکه توانست هوش و حواس خود را باز یابد با حال خراب ولنگان لنگان خود راه قاچاق فروش می‌رساند !

حتی وزارت بهداشتی هم از این بزرگوار نمی‌هرسد ؛ جناب بوعلى سینا اشما چگونه ده روز معتاد به هروئین را نجات میدهد؟! واگر این کار با این آسانی و درین مدت کوتاه شدنی بود چطور علما عو پروفور های معروف جهان انگشت بدان در مقابل این درد بی‌درمان حیران مانده‌اند !! آری ! کار بی‌ندوباری و بی‌توجهی به مبانی اخلاقی از تاجیه بعضی همکاران ما نا آنجا پیش‌رفته که حالا دیگر مردم را از مرده‌خوار هم می‌نامند وبعقیده من در جامعه پزشکان کسانی که نمی خواهند مرده خوار نامیده شوند باید جدا به مبارزه برخیزند و راه حل عاجلی بیابند .

من بد رستی نمیدانم درمان این مشکل تاسف انگیز اجتماعی از چه راه میسر است ، زیرا یقیناً دولت و وزارت بهداشت نمیتوانند این مشکلات را حل کنند و اگر هم بتوانند اقدامات آنها از حد تعیین ویزیت برای پزشکان تجاوز نمیکند وقط شاید تشکیل يك جامعه پزشکی با منتخبین خوشنام وشریف‌آتهم با اختیارات کافی و يك نظام پزشکی صحیح و کامل بتواند این مشکل را حل کند و هماطور که در کشورهای پیشرفته معمول است پزشکان صحنه ساز و بدنام‌را از جامعه پزشکی برانند و در بیمارستان های کاروانسرا مانند را ببندد !

البته بشرط آنکه باز این رودرواسی لعنتی بگذارد!!!»

مولانا از متفکران بنام و عرفای هوشمند و نازک‌طبع مینماست - بسال ۶۰۲ هجری در شهر بلخ دیده بر جهان گشود- برجهان کثود- درجهانده سالکی در نیشابور بزيارت قطب شيرعالم عرفان ، «**فریدالدین عطار**» نازل آمد، گویند «عطار» آتش نهفته در نهاد جلال‌الدین را دریافت او را دعای

بسیار نمود و او از همان زمان ، درسلك عرفا و كوشندگان راه فلسفه عمیق ایران در آمد مولانا تا سال ۶۷۲ هجری بزینست و در طی هفتاد سال عمر خود گنجینه‌ای جاویدان بر میراث عظیم فرهنگی و فلسفی ملت ایران بیافزود ، او گذشته از مثنوی که مباحث فلسفی خود را در آن قالب سروده است در غزل نیز توانائی خاص داشته وشور انگیز ترین احساسهای انسانی را در قالب غزلیانی دلکش و جاودانی فرو ریخته است - مولانا «**عشق**» را آن‌جذبه و کششی میدانده که وجود انسانی را در بر میگیرد، **او «عشق» را آن اشتیاق به زندگی» و «شور حیات» میشناسد که از فرط شکوه‌مندی وعظمت آن را «جلوه‌ای از خدا» میداند** ، اکنون ایاتی چند ، از این غزل عاشقانه وعارفانه مولانا جلال‌الدین بلخی :

عقل عاشق ز غلغلهٔ جسد است
عاشق غزلین سر و گرزان سراسـت
هر چه گویم عشق را شرح و بیان
چون قلم اندر نوشتن می‌شتافت
چون سخن در وصف این حالت رسید
آفتاب آمد دلیل آفتاب

نک و خون

مشکل طبابت

برای ادامه تحصیل آنها دیدنی آورده‌اند ، بمنز ادامه تحصیل بخارج میروند ، این گروه اخیر را بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاه بوجود می آورند .

در ضمن خروج و پس از خروج از ایران نیز دستگاههای مسئول در مورد انتخاب رشته‌های تحصیلی دانشجویان را راهنمایی نمیکندد ولذا آنان بیش از آنکه نیازمند یهای کشور خود را در نظر داشته باشند بر حسب احتیاجات کشورهای غربی تریب می‌شوند و از این رهگذر در هنگام یافتن شغل بمخظورات فراوان برخورد می‌کنند، ۲- عموم دستگاههای کشور در مورد استفاده از فارغ‌التحصیلان برنامه‌مشخصی ندارند و لذا تحصیل کرده‌های دانشگاهی اعم از داخلی وخارجی در موقع کار یابی دچار سرگرائی و ناظر تبعیضات فراوان می‌شوند و ناگزیر عده‌ای از آنان بخارج بر میگردند و از آمدن دیگران نیز جلوگیری می‌کنند .

یکی از مشکلات کاریابی آنستکه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی وبخصوص آنانکه درجات تخصصی دارند مایلنددر تهران و یاجند شهر درجه اول بکار گمارده شوند چون واضح است که شهر تهران نیز گنجایش همگی آنها را ندارد از این رو دلسرد میشوند . باید دید که مشکلات کار کردن در شهرستانها چیست و چرا این تمایل بوجود آمده‌است که همه می‌خواهند در تهران بمانند.

یکی از مشکلات کار در شهرستانها رقبلا بررسی کرده‌ایم و آن عبارتست از نبودن سازمان مجهزی که با فراد متخصص امکان کار بدهد . خصوصیت تعلّمات تخصصی در عرصه‌ما آنستکه افراد را برای کار در مراکز مجهز که مستلزم همکاری گروهی از متخصصین است تربیت میکند و تقریباً امروز هیچ رشته‌ای از تخصص نیست که کار گروهی یا باصطلاح (تیم‌ورک) را ایجاب نکند. کار گروهی نیز مستلزم سازمانهای مجهز است . اینگونه سازمانها در ایران نسبتاً جوان هستند و بهمین دلیل هنوز بخوبی سازمان نیافته‌اند و از طرفی چون در هنگام سازمان دادن این موسسات نیازمند یهای عملی منظور نشده است لذا این سازمانها بیشتر در تهران تمرکز یافته‌اند

از طرفی بعلت نقص مدیریت و سازمان‌گزاری دستگاهای اداری فقط مایلند جوانهارا بشهرستانها بفرستند بدون اینکه مایل باشند سازمانها را بشهرستانها گسیل دارند .

بهترین نمونه در این‌مورد ، کار پزشکانی است که بخدمت در شهرستانها محکوم میشوند . هر متخصص و فارغ‌التحصیلی که برای یافتن کار مراجعه میکند فوراً باوپیشنهاد می‌کنند که بیکى از شهرستانها برود . ولی سازمانیکه در آن شهر وجود دارد مربوط به بیست سال پیش است که قبلاً بوسیله يك طبیب مجاز و یایک بهدار اداره میشده است . از وسائل کار در آن خبری نیست و بلاومعجز يك کادر اداری است که در فن استفاده غیر مجاز از اموال عمومی استاد هستند .

در ازاء کار در چنین سازمانی حقوقی هم باو پیشنهاد میکنند که بزحمت مخارج اولیه را تامین میکند . البته منطقاً وقتنگذار در مورد تعیین این حقوق ناچیز آنستکه طبیب مطب خواهدداشت و احتیاجی بحقوق اداری ندارد .

اما درباره کارخصوصی يك طبیب در شهرستانهای درجه دوم بیائین نیز باید بحقایق توجه داشت، در چنین شهری طبیب متخصص باید تمام معلومات خود را در مورد وسائل جدید تشخیص بدست فراموشی بسپارد . ازپرو تونکاری وآزمایشگاه خبری نیست همچنین از بیمارستان مجهز پرستاری - طبیب پس از وداع با اسلحه باید خود را بکاری شبیه جن گیری ورمالی در این شهر غریب عادت‌دهد تنها وسیله کار او يك قلم ومقداری کاغذ خواهد بود باضافه يك گوشى که پس از رواج کار فرصت استفاده از آن را هم پیدا نمیکند.

تنها همکار لباس سفید در چنین شهری یکی از عطاران سابق است که بعداچند کلمه لاتین یاد گرفته وسمت داروفروش را پیدا کرده است. در حقیقت گرداننده اصلی نقش بهداشت وبهداری در شهرهای کوچک همین عطاران هستند و طبیب باید ناگزیر پس از استعمال و دلجوئی کافی از آنان سمت دلال کالای داروئی آنان را بدست آورد ومردم را برای خرید راهنمایی کند.

باهمه این احوال سرنوشت طبیب، در چنین شهری از دو حال خارج نیست یا بسبب رقابت های محلی یایک پرونده قطور جزائی روانه اش میسازند و یا باصطلاح کارش بالامیگیرد واز شکل وهیئت آدمیزاد خارج میشود زیرا دیگر نه روز دارد و نه شب. کار کردن در وقت معین وبهمزان معین در شهرستانهای کوچک مفهومی ندارد، ازسپیده دم تا آخرین ساعات شب که بسپیهدم میانجامد چنین طبیعی باید آماده کار باشد . در اوقات شلوغ روز آنقدر در اطاق کارش ازدحام ورفت وآمد هست که برآستی فرصت احوالپرسی با بیماران را نیز پیدا نمیکند چه رسده بآنکه آنها را معاينه کند.

آنچه چنین شخصی انجام میدهد دیگر با هیچ مقیاس طبابت نیست بلکه نوعی است از اغیاز ، فریب وجنون . اینها واقعیات امر طبابت در شهرستانهای کوچک وقسمتهائی از شهرهای بزرگ است . طبیب در این میان هر گز مقصر نیست. چنین صحنه‌هایی تنها بدلیل نبودن سازمان مجهز پیش می‌آید . بسیار مشکل است که از کسانی که در مراکز مجهز علمی خارجى یا داخلی تربیت شده‌اند انتظار داشت که بچنین محیطهائی بروند و حرفه اصلی وتخصص خود را یکسره کنار بگذارند و ب حرفه ونظهور وخارق‌العاده‌ایکه بنام طبابت مشهور شده است اشتغال ورزند. اینها است قسمتی از مشکلاتیکه برای کادر شهرستانها وجود دارد وباز هم مشکلات دیگری هست که در فرصتهای آینده بدان خواهیم پرداخت .

حقیقت اندیشه انتر ناسیونالیسم

قدرت‌های دیرین کشور های استعماری اروپا گردید و در نتیجه « دو استعمار صنعتی واقتصادی» جایگزین « استعمار نظامی

دیرین» شده، همچنین یباد آورد شدیم که «**استعمار صنعتی واقتصادی**»، **از نظر خود جهان را بصورت يك بازار واحد جهانی که گرداگرد محور «استعمار صنعتی واقتصادی» قرار داردمی‌پندارند** « استعمار صنعتی و اقتصادی» خود را قلب ومنز چنان نظم اقتصادی می‌پندارد که سرزمینهای انباشته از منابع اولیه ومواد خام ومناطق پراز نیروهای انسانی و در نتیجه

شماره ۴۸

يك سنك بر اى استقرار

از حالابهمه شمایمیکوم استان ازما آمار می‌خواهد وهمه شما باید در دهاتیکه تعیین میشود پراکنده شویند و آمار مفصل تهیه کنید و مرتب بفرستید خواه مردم واکنش بزنند خواه نزنند و هر کس آمارش کم باشد فوق‌العاده خبری نیست . ضمناً این راهم گفتند که برای شما در حدود ۳۰ روز تقاضای مأموریت خواهد شد چون عملاً ده روز بیشتر کاری ندارید بعد از پرداخت فوق‌العاده‌ها لیست ۲۰ دروژ را امضاء کنید ولی بشما بیشتر از ده روز پرداخت نخواهد شد **بنیضاً چون انمرکز ازما انتظار دارند باید سیم آنها را بدیهم**.. ولی آمار طبق دلخواه آقای رئیس غروب تا غروب فرستاده میشد اما چقدر؟ شاید بدون اغراق چهارالی پنج برابر سکنه موجود در ده مربوطه و آقای رئیس هم خیلی از کار رققا اظهار رضایت فرمودند ... بطوریکه در جریان هسمت واهل این منطقه میباشم کل جمعیت شهرستان تفرش با حومه اش در حدود ۶۰ الی ۷۰ هزار نفر است ولی آماریکه جمع آوری شد بمرکز منخابره کردند طبق مدارک موجود در بهداری شهرستان و مرکز استان یکصد و هشتاد هزار بوده است ... فوق‌العاده ماراهم که لیست ۲۹ روزه را امضاء کردیم خدا شاهد است فقط در و زدادند ...

حال شما فکر کنید دستگاهی که در این امر خطیر و حیاتی که با جان مردم این مملکت بستگی دارد.. آشکارا ازما آمار دروغ می‌خواهد اگر ندیهم باعث دردسرمان میشوند، اگر فعالیت جدی کنیم که وقت بیشتری هم میگیرد حق مسلم مارا می‌خورند، حال به بینید استان مرکز که این باشدوای باستانهای دور افتاده .. یکی دومرتبه هم باسم بازرسی یک نفر آمد که فقط نصف روز مهمان آقای رئیس شد وخوشحال برگشت... ضمناً اگر افراد صالح باشند که بخواهند بازرسی نموده پرده از این خیانت‌ها بردارند با کمال میل حاضر ممدارک و شواهد زنده ارائه نموده راهنمایی لازم را بکنم ...

همچنین تعداد سکنه دهات مشخص، آمار اغراقی که بنام این دهات هم فرستاده شده معلوم و در پرونده هست... چنانچه مایل به روشن شدن جریان بودید ضمن درج مطالب در آخر اشاره فرماید فوری خود را بشما معرفی و راهنمایی خواهم نمود (در همین جا بنویسند نامه اعلام می‌داریم که مایل به روشن شدن جریان هستیم) این بود عین عباراتی چند از نامه و اما بحث ما،

من امیدوارم که این مطالب حقیقت نداشته باشد بویژه آنکه دستگاههای بهداشتی مارا گروهی جوانان تحصیل کرده وعلاقمند اداره می‌کنند گرچه خودشان هم می‌دانند که از يك گل بهار نمیشود. فعلاً فرض را بر این قرار می‌دهیم که مطالب بالا افسانه‌یی بیش نیست ولی این را می‌دانیم که بعض از افسانه‌ها نفوذشان در اذهان مردم از حقایق بیشتر است و از آنجمله افسانه‌های اداری ماست که ارکان آنرا ظاهر سازی و گزارش خلاف واقع وحق کشی وحیف ومیل اموال عمومی وارکتاب جرم بهانه اینک ازما انتظار دارند وبازرسی بشکل مهمانی وغیره تشکیل می‌دهد و اتفاقاً در افسانه امروز ما هم از همه این خصوصیات استفاده شده بود وبهمین دلیل هم قطعاً افسانه بسیار نافذی خواهد بود وهمه ندیده ونشناخته آنرا باور خواهند کرد .

اما بر این داستان باید جمله دومی هم افزود و آن از هنگامی شروع میشود که يك نفر مغرض ویازود بپور قلم برمی‌دارد و شرح قضایارا برماجی موثر یاقیر موثر بنویسد. پس از نوشتن یکمرتبه کی بود کی بود وبگیروبیند شروع میشود، دستگاهها کسه معمولاً جریانی آرام دارند ناگهان فعال میشوند که نویسنده ناشناس را پیدا کنند ویوست از کله‌اش برگیرند و پس از آنکه دستگاهها توانستند فرد یا افراد بقول خودشان ناراحت و یا مغرض وتحریک شده را کشف کنند و ادب نمایند بار دیگر اوضاع آرام و چراغ خاموش میشود وآسیاب میگردد و افسانه‌ها پرداخته میشود و اثری قطعی و زوال ناپذیر بر اذهان باقی میگذارد.

همانگونه که خاگوخون از آغاز ضمن تشریح خط مشی خود اعلام کرده است ، قیام بخاطر درگی گون ساختن اینگونه افسانه‌های اجتماعی است وبعقیده ما افسانه بالا را از جلد دوم آن باید اصلاح کرد . اگر بگوئید در این کشور فساد و گزاف دروغ و ... و ... نیست کسی باور نمیکند و لو آنکه ادارات روا بطعمومی هم تکذیب نامه صادر کنند .

ولی اگر می‌خواهید فساد را ریشه کن کنید باید بمردم تأمین زنه‌ار بدهید تا بشما خبر بدهند که اوضاع از چه قرار است . جمله تأمین عدالت اجتماعی فقط برای قشنگ کردن مرآئمانه حزب و یا برنامه دولت نیست ، عدالت اجتماعی باید مصداق داشته باشد . عدالت اجتماعی عبارت از خاصیتی است که اگر وجود داشته مظلوم از شکایت کردن نمی‌ترسد ، کسی را که حقش را گرفته‌اند از تعقیب خواسته‌هایش واهمه ندارد . اگر عدالت اجتماعی برقرار باشد هر کس فساد و نادرستی سراغ داشته باشد جرأت میکند که برود و آنرا آشکار کند و دچار این توهّم نخواهد بود که اگر بروم وخبر بدهم خود من را خواهند گرفت و زده‌را ونادرستها برش من خواهند خندید. عدالت اجتماعی کالای وارداتی نیست وطرح ساختمانی هم نیست که اقدام بان‌زمان لازم داشته باشد. همانگونه که اساس ظلم در اولین چشم‌پوشی از خطا نهاده میشود واستقرار عدالت نیز از اولین اقدام صحیح آغاز می‌گردد. میگوئیدنه امتحان بفرمائید ، از همین مورد ، نویسنده این نامدا نکذارد بدطمین و یا تهدید نکند. چند آدم حسابی بفرستید بدون آنکه مهمان کسی بشوند حقیقت قضا را معلوم کنید . اگر نویسنده خلاف نوشته بود مجازاتش کنید و اگر درست گفته بود خطا کاران را مجازات نامزد . نتیجه راهم همین‌گ نامه غیر اداری بما بنویسید تا مردم حقا کو وآزاده باماشما همکاری کنند وبیخ فسادکنده شود .

سرزمینهائی را که منبع این مواد اولیه و مراکز مناسب چنین بازارهای فروش میباشد از لوازم ووسائل ادامه حیات امیر یالیم خود میدانسته ومیدانند. روش‌های سیاسی وتبلیغاتی و فرهنگی استعمارگران نیز دقیقاً منطق بر این نحوه استنباط آنان از مسائل اقتصادی است . استعمارگران باید بررسی عمیق ونهائی معتقد به تبدیل جهان به يك واحد بهم پیوسته اقتصادی و به يك واحد بهم پیوسته اقتصادی و صنعتی خود سازند - برای آنکه بتوانند معادن نهفته در سرزمین‌ها و « نیاخاك» ملتها را بیرون کشند و بصورت تاراج بقیه در صفحه ۴

برای آنکه بتوانند معادن نهفته در سرزمین‌ها و « نیاخاك» ملتها را بیرون کشند و بصورت تاراج بقیه در صفحه ۴

حکایت اخبار ایران

● رئیس دانشگاه پنیسیلوانیا در جشن سالانه فارغ التحصیلان دانشگاه مذکور ضمن تظنی کوششهای شاهنشاه آریامهر را در پستهنروفرهنگ ایران ستایش کرد.

● طبق موافقت حاصله بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۴۴ بهای روادید بین دو کشور برای اتباع طرفین لغوی گردد.

● دیروز اطلاع داده شد که پنج کشتی حامل ۶۰ هزار تن گندم خریداری شده از آمریکا و استرالیا در بنادر جنوب آماده تخلیه است.

● شاهزاده دون ژوان کارلوس ولیعهد اسپانیا و همسرشان شاهزاده خانم صوفیا که بایران آمده اند دیروز از نقاط مختلف تهران دیدن کردند.

● این بازدید از ساعت چهار تا چهار و چهار دقیقه بعد از ظهر طول کشید.

حقیقت اندیشه

و یغما بسوی کارخانه های عظیم و سازمانهای گسترده تولیدی خود بکشانند، برای آنکه بتوانند مصنوعات کارخانه ها و محصولات سازمانهای تولیدی را بسوی مراکز آسانی استعمار شده سران بر کنند و آن مبلغ ناچیزی را که قبلا بعنوان بهای مواد اولیه خام به ملت های استعمار شده داده اند و نیز حاصل دسترنج آنان را چپاول کنند، باید مردم را به سربازی از انترناسیونالیسم دلخوش کنند آنها باید قبل از هر اقدام مردم را بهر نوعی از نظم ملی و زندگی مستقل و قائم به وجود ملت زندگی نمایند هر گونه احساس ملی را در وجود مردم ریشه کن سازند - لزوم کوشش برای بنیان گذاری نظامی ملی و مستقل را امری خرافی و غیر بجای بنام سازمان قلمداد نمایند و در نتیجه توده های مردم را بهمان اندیشه «واحد جهانی» متوجه سازند، تا بتوانند برنامه های استعماری خود را اجرا کنند. بنابراین - «استعمار صنعتی و اقتصادی» که جایگزین «استعمار نظامی» دیرین گردیده است، برای رسیدن به هدفهای خود از این طریق اقدام میکند که: **اولا** هر گونه نظامی از ناسیونالیسم و اعتقادی بناسیونالیسم را در میان ملت های زنجیر شده برهم بکوبد و ریشه های هر جنبش ناسیونالیستی را بشکافد و قطع کند. **ثانیا**، اندیشه انترناسیونالیسم «جهان وطنی» را در میان مردم رواج دهد، تا آنان به تبدیل «جهان» به «یک واحد» رضایت دهند و در این میان «استعمارگر نوین» هیولای اقتصادی و صنعتی خود را قلب و مغز چنین جهانی قرار دهد و ملت های استعمار شده و سرزمین آنان را «منابع مواد اولیه و خام مورد نیاز خود» و مراکز «بازارهای فروش» مصنوعات و محصولات خویش قرار دهد.

میشود و جانسون تحت تأثیر این فشار هر روز دست به اقدامات تازه ای میزند که کنفرانس هونولولو و طرح برنسله های اقتصادی - کشاورزی و عمرانی برای ویتنام نتیجه این تأثیر و تأثر می باشد. با توجه به روش و طرز کار هوشی مینه که کوشش دارد تحت نفوذ چین قرار نگیرد و در عین حال روابط خود را با شوروی بخوبی حفظ کند و با توجه به روحیه استقلال طلب و سرسخت هوشی مینه شاید این بهترین راهی باشد که آمریکا را نه تنها از آسیای جنوب شرقی از دام یک تراژدی خواهد رها کند بلکه اعتبار و امنیت خاطری را که مورد نظر اوست تأمین خواهد کرد.

میشود و جانسون تحت تأثیر این فشار هر روز دست به اقدامات تازه ای میزند که کنفرانس هونولولو و طرح برنسله های اقتصادی - کشاورزی و عمرانی برای ویتنام نتیجه این تأثیر و تأثر می باشد. با توجه به روش و طرز کار هوشی مینه که کوشش دارد تحت نفوذ چین قرار نگیرد و در عین حال روابط خود را با شوروی بخوبی حفظ کند و با توجه به روحیه استقلال طلب و سرسخت هوشی مینه شاید این بهترین راهی باشد که آمریکا را نه تنها از آسیای جنوب شرقی از دام یک تراژدی خواهد رها کند بلکه اعتبار و امنیت خاطری را که مورد نظر اوست تأمین خواهد کرد.

در شهرستانها

همدان

● گروهی از فرهنگیان همدان بدفتر نمایندگی خاکو خون مراجعه کردند و ضمن پشتیبانی ازندای ایران پرستانه خاکو خون در دفاع از تیرهای برون از مرز و ضمن اظهار تنفر از عملیات وحشیانه حکومت عراق نسبت بکردارها درخواست درج خواسته های خود بشرح زیر نموده اند:

۱- در مورد ترغیبات معوقه آنها اقدام شود تا پس از تصویب قانون استخدام جدید دچار اشکال نشوند.

۲- وام ضروری، همانطور که در تهران پرداخت شده است در همدان هم پرداخت شود.

۳- نسبت بوضع بهداشت فرهنگیان بویژه آنها که بیمه نیستند توجه شود.

۴- مطالبات فرهنگیان از قبیل مزایای خارج از مرکز اضافه کار بیرون فوق الماده حق تاهل و حق اولاد که از سال ۴۲ تاکنون پرداخت نشده است تادیه شود.

۵- وضع اداره تربیت بدنی اصلاح گردد.

مانظر مقامات مسئول را بخواسته فرهنگیان همدان جلب می نمائیم.

روز یکشنبه نهم بهمن ماه ساعت یک و نیم بعد از ظهر در مقابل دبیرستان شاهدخت جوان هستی بنام احمدی یکی از دانش آموزان این دبیرستان را مورد حمله قرار داده و با چاقو دختر دانش آموزی را بسختی مجروح نمود بطوریکه در بیمارستان زخم او را ۲۴ بخیه زدند. جوان مزبور توسط دبیران این دبیرستان در خیابان دستگیر و تحویل مقامات انتظامی شد. این واقعه در بین فرهنگیان اثری بندها داشته است، با توجه به پاره های نامنی ها مردم همدان از مقامات مسئول شهر بانی خواستارند که توجه بیشتری با امنیت آن منطقه مبذول شود. نا گفته نماند که در موقع جلب جوان مزبور مدت ها بدنبال مامور می گشتند تا سرانجام بوسیله تلفن از کلانتری برای دستگیری ضارب اقدام می کنند

قریه کرد امیر شهریار

● از انجمن همکاری خانه و مدرسه قریه کرد امیر شهریار گزارشی رسیده است مبنی بر اینکه کارکنان دبستان شش کلاسه با ۱۸۵ دانش آموز فقط به یکنفر سرپرست دبستان منحصر گشته است. بقیه آموزگاران بدستور رئیس آموزش و پرورش شهریار بدیگر نقاط منتقل شده اند، بطوریکه ناگزیر برای جلوگیری از سرگردانی دانش آموزان، از خود دهقانان هر کس سواد خواندن و نوشتن دارد با آموزگاری مشغول گشته است و تقاضای رسیدگی بوضع خود را دارند.

حکایت اخبار جهان

● دیروز چهارتن از کارشناسان اتمی پاکستان برای گذراندن یک دوره آموزشی از کراچی رهسپار کانادا شدند، هم اکنون یک کارخانه برق اتمی با کمک کارشناسان کانادایی در نزدیکی شهر کراچی در دست ساختمان است. نخستین راکتور اتمی پاکستان پنج ماه پیش در اسلام آباد آغاز به کار کرده است.

● لودویک ارهارد صدراعظم آلمان غربی که بتازگی وارد پاریس شده است بعد از ظهر دیروز در کاخ الیزه با شارل دوگل رئیس جمهوری فرانسه ملاقات و گفتگو کرد.

● در این مذاکرات که یک ساعت و پنجاه دقیقه طول کشید بین المللی از جمله جنگ ویتنام مذاکراتی بعمل آوردند

● تسارایکین نماینده شوروی در کنفرانس خلع سلاح ژنو در یک مصاحبه مطبوعاتی به خبرنگار گفت که امروز پیشنهاد های آلمان شرقی را درباره خلع سلاح به کنفرانس تسلیم خواهد کرد.

● این پیشنهاد از طرف یک هیئت سه نفری که پریروز وارد ژنو گردید بنماینده شوروی داده شده است.

● اعضای این هیئت بعنوان ناظر در جلسات کنفرانس خلع سلاح شرکت خواهند کرد.

● تسارایکین حاضر نشد درباره جزئیات پیشنهاد های آلمان شرقی توضیحاتی ب خبرنگاران بدهد.

● سلوین لویید سخنگوی حزب محافظه کار انگلستان دیروز برای تحقیق درباره اوضاع رودزیا وارد این کشور شد.

● مقامات شوروی در مورد گزارشهای مربوط به اینکه سفینه فضائی لوانی نهم پس از پایان برنامه تحقیقاتی خود باردیگر اطلاعاتی پیرامون اوضاع کره ماه بزمین مخابره خواهد کرد سکوت کرده اند.

● رصد خانه جودول بانک انگلستان گزارش داده است که یریشب لوانی نهم مدت ۸۱ دقیقه عکسهای تلویزیونی و اطلاعات جامعی پیرامون اوضاع کره ماه بزمین مخابره کرده است.

● خبرنگار پروادا دیروز از تانوی گزارش داد که در سراسر مرزهای ویتنام شمالی مردم بساختن استحکامات نظامی پرداخته اند.

● خبرنگار پروادا نوشته است در اطراف دهکده های ویتنام شمالی سنگرهای مستحکم برای دفاع در برابر حملات هوایی و زمینی ساخته شده است.

● خبرگزاری رسمی شوروی گزارش داد لوانی نهم سفینه فضائی شوروی دیروز ماموریت تاریخی خود پایان داد.

● این خبرگزاری افزود که لوانی نهم در مدتی که علائم و تصاویر را به کره زمین ارسال می داشت تقریبا کلیه اطلاعات مربوط بشرابط زندگی در کره ماه را مخابره کرد.

● این خبرگزاری تأکید کرد که با ارسال آخرین علائم سفینه شوروی دیگر علائم بزمین مخابره نخواهد کرد.

تجاوز عمال

تا میل بحفظ روابط حسنه حکومت عراق با ایران است؟

آیا توهین بمردم مسلمان ایران و آزار واذیت شیعیان و ایرانیان مقیم عراق و کشتارهای فجیع گردان ایرانی نژاد و سالی هستند که حکومت عراق برای جلب دوستی دولت و ملت ایران سرزمین مسلط سازد و آشکارا به حقوق ایرانیان تجاوز نماید.

مباحث ناسیونالیسم

را در خود داشته باشند.

از نظریات حزب سیاسی همه این عوامل را باید در چهار چوب **ایدئولوژی** جستجو کرد.

ایدئولوژی دارای مفهوم عمیق و گسترده ایست که خود بخشی جدا و سخنی جدا گانه می خواهد ولی بطور خلاصه میتوان گفت که ایدئولوژی عنصر تلفیق آرمان ها و اندیشه های یک حزب است و مراد از اندیشه در اینجا عبارت از راه حل های سیاسی و اجتماعی است.

با ذکر این مقدمه مختصر درمی یابیم که حزب بمفهوم واقعی و حقیقی خود عبارت از **سیاستی از تجمع افراد و تجهیز و بسیج آنها برای تحقق بخشیدن بآرمانهای مشخص و بی ریختن نظمی نو می باشد.**

در این سازمان افراد اسلوی از یک حزب خود می باشند، از جان و دل نظم و دیسیپلین حزبی را می پذیرند و در اجراء دستورهای حزبی می کوشند. **پس حزب دارای جایگاه مشخص و عناصر مشکله مشخص می باشد.**

با اعتقاد باینکه حزب عبارت است از **تجمع افراد و تربیت آنها با ایدئولوژی و پرترسیب مشخص فکری و تجهیز و بسیج آنها برای ایفاء نقش رهبری**، می توان گفت که اصولا در ایران بیش از دو حزب وجود نداشته و ندارد. یکی حزب مارکسیست، کمونیست توده ها و همه الحقات آن است که روال و خط مشی معینی داشته و مجهز باندیشه ضد ملی و غیر ایرانی و الهام گیرنده از منابع بیرون از مرز می باشد و دیگر حزب پان ایرانیست می باشد که متکی بجهان بینی ناسیونالیسم است.

بعد از اینکه سنت حزب سازی در کشور ما رواج یافت، احزاب خلق الساعه بسیاری در ساحت این مملکت قیام کردند که بسیاری از آنها پس از مدتی برای همیشه از میان رفتند و از خاطره های فراموش شدند و تعدادی دیگر نیز ظاهر آ وجود دارند و کم و بیش بوجه معین و در تحت عوامل بسیار فعالیت های می نمایند.

از نظر اصول به هیچک از آنها چه آن احزابیکه توسط دولتها بوجود آمدند چه آنهایکه دست مبارزه منفی بخود می گیرند عنوان یک حزب سیاسی را نمی توان داد.

احزابی که توسط دولتها بوجود آمده اند در واقع تجمعی از مسئولان امور ویا کسان دیگری است که طالب آنند در سلك گردانندگان امور باشند و تنها منافعتشخصی که این گروه ها را بهم می پیوند و کره می زند کار پایایی ویا ارتقاء درجه و مقام است و تنها چیزی که متاسفانه در این گونه احزاب در مد نظر نمی باشد شناسائی ملت و حقوق و منافع و مصالح وابسته بآن هدف ملی و تجهیز نیروهای ملت در سمت و جهت خواسته ها و آرمانهای تاریخی اوست.

هیچکس نه مردمی که ناظر باحوال آن حزب می باشد و نه افرادی که افتخار عضویت آن را دارند توقعی بجز آنکه گفته شد ندارند و این بازی را بپیزی نمی گیرند. اینگونه احزاب عمری طولانی تر از وزش باهای موسمی که در فصلی معین می وزند و بموقع معین از وزیدن می ایستند ندارند و تراژدی بزرگ نا ساما نیا، ناکامیها و سرخوردگی های ملت مادر این پنجاه سال اخیر چیزی جز این نبوده و علی جز این نداشته است که آنچه بنام حزب در این کشور قدیم افزاشته است و در عرصه سیاست روز سر کشیده است بدکانهای سیاسی و جنگاها های کارگشائی و یا محفل و انجمن دوستانه بیشتر شباهت داشته با بجزب در مفهوم ویژه خود.

بقیه سرمقاله

برنامه های استعماری و ضد ایرانی بوده است - سفیر حکومتی که طی چهل سال گذشته دست عمال و کارگزاران و مسئولانش تمارق بخون ایرانی نژادان و هر عنصر غیر عرب سرزمین عراق آغشته شده است، درست در زمانی غیر نوامرزی ایران دچار حملات پیاپی جنگنده ها و نیروهای شکاری این «حکومت مخلوق استعمار» قرار میگیرد، بهرمان می آید و مورد استقبال مأموران وزارت خارجه نیز واقع میشود!

وزیر خارجه ایران پس از سکوت سالان بسیار مقامات مسئول، بدنبال احساسات برانگیخته و افکار بیدار شده مردم، در مجلس شورا و سنا از تجاوز و تعدی مستمر «حکومت عراق» بحقوق ملت ایران سخن میگوید و حکومت عراق همچنان بهمان تعدیات دیرینه خود ادامه میدهد - همچنان دست در دست سیاست هائی که آشکارا تجاوز بحقوق ملت ایران را وجهه همت خود قرار داده اند نگذاشته است، و در پیمانی که بقصد تجاوز بحقوق ملت ایران، بقصد از پای در آوردن شاخه های نژادی و فرهنگی ملت ایران در این منطقه منعقد گردیده است شرکت دارد و آنگاه، ماهمچنان به سخنان سفیر این «حکومت» دل خوش میداریم که آنان از راه دشمنی دیرینه منصرف گردیده اند و بطریق دوستی و وادار سپرده اند!

ما بارها این حقیقت را تکرار کرده ایم که: دوستی با ملت ایران تنها با سخن و گفتار ممکن نیست - چگونه ممکن است حکومتی دوست و همراه ملت ایران باشد، در حالیکه همچنان روش های دیرینه خود را بر ضد ملت ایران و همه عناصر وابسته بدین ملت دنبال میکند - چگونه ممکن است «حکومت عراق» با اصول سیاست ملی ایران و با آرمانهای مترقی و صلح جویانه ملت ایران در این منطقه از جهان هم آهنگ باشد در حالیکه هنوز خود را جزئی از **فدراسیون عربی** میداند و اجرای طرح های تجاوز آمین دشمنان ملت ایران و متعرضین به صلح و آسایش و حقوق مردم آسیای میانه را هدف همه کوششهای خود قرار داده اند!

چگونه ممکن است «حکومت عراق» در طریق دوستی با نژاد و فرهنگ آریائی در این منطقه باشد، در حالیکه از ابتدا تاکنون، دقیقاً خود را عنصری مطیع برای هر گونه اقدام و توطئه ضد ایرانی قرار داده است؟

چگونه ممکن است «حکومت عراق» با راه زندگی و اصول حیثیت و شرف ملی ایران هم آهنگی داشته باشد، در حالیکه قتل عام کردها، تجاوز و تعدی بشیعیان عراق، نفی حدلیکه مصادره اموال اتباع دولت شاهنشاهی ایران در عراق، هم آهنگی با توطئه های ضد ایرانی و برنامه های استعمار در خلیج فارس از هدفهای آشکار و اعلام شده «حکومت عراق» است؟ این هدفهایی است که از بدو تأسیس تاکنون، حکومت عراق بخصوص، «حکومت عارف» دنبال میکند، ولی «حکومت عراق» همواره از یک روش مفید بجال خود و مضربحال ملت ایران استفاده کرده است که آن نیز «سیاست اغفال بوده است».

گردانندگان «حکومت عراق» همواره کوشیده اند با استفاده از خوش باوریهای عناصر مسئول سازمانهای حاکمه ایران، در حالی که دشنه خون آلودی را که بر پیکره ملت ایران میکوبند در دست آنها است، بادی دیگر بعنوان دوستی و همکاری دستمارا بشارند - آنها می خواهند ما را اغفال کنند تا ما چون سالان گذشته هر زمان مناسب و هر فرصت مساعدی را از دست بدهیم - آنها می خواهند با این سخنان پیوه و بی اساس ما را فریب دهند تا ما از احوال سیاست ملی خود و از دفاع از شاخه های نژادی و فرهنگی و حقوق تاریخی خویش غافل گردیم.

چنین سیاست اغفال و فریبی در این روزهای اخیر از سوی عمال حکومت عراق دنبال گردید و یکبار دیگر برخی از مسئولان دچار همان خوش باوریها شدند.

اما چه زود نقاب از چهره این سیاست اغفال برداشته شد و چهره دژ «طبیعت ضد ایرانی حکومت عراق» نمودار گردید.

در حالیکه خوش باوران دستگاه حاکمه ایران و سفیر عراق دم از صلح و دوستی و مذاکرات دوستانه! میزنند - سخنگوی «حکومت عراق» در حضور عارف، همان یاوه ها و ترهات گذشته را علیه ملت ایران تکرار میکند و مهمتر آنکه «الباز» به قاهره می رود و «عارف» نیز قصد عزیمت بقاهره و پای بوسی عبدالناصر، این دشمن خون آشام ملت ایران را دارد.

پس چگونه می خواهید بدوستی البزاز و عارف اعتماد کنید؟ چگونه می خواهید دست خون آلود «حکومت عراق» را بشارید؟

مگر نه آن است که در این بحرانی ترین شرایط، گردانندگان «حکومت عراق» برای تعیین خط مشی خود در این منطقه بقاهره میروند؟ مگر نه این است که شرکت عارف در کمیته سیاسی «فدراسیون عربی» در قاهره، یعنی شرکت در خطرناکترین کانون توطئه علیه موجودیت ملت ایران؟

بنابراین چگونه میتوان به حکومتی که تا گردن غرق در منجلابی از توطئه و تحریک علیه ملت ایران است و اقدامات ضد انسانی و ضد ایرانی او تاکنون در این منطقه سابقه ای چنین هولناک و خونین نداشته است اعتماد کرد؟

بگذارید، ملت ایران، «سیاست اغفال» حکومت عراق و حامیان او را دریابد، بگذارید ما برای حفظ موجودیت خود در این منطقه از جهان با واقعیات توجه داشته باشیم نه خوش باوریهای خانمانسوز.

محسن پز شکپور